

مدل علی رابطه بین «مذهب»، «سرسختی روان‌شناختی»

«دنیاگرایی» و «حل مسئله» در سربازان

محمدحسن ملایی*

فریبا یزدخواستی**

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی مدل علی رابطه بین «مذهب»، «سرسختی روان‌شناختی»، «دنیاگرایی» و «حل مسئله» در سربازان بود. از بین جامعه آماری (سربازان پایگاه چهارم هوانیروز اصفهان) با روش نمونه‌گیری تصادفی، تعداد ۱۱۰ سرباز با سنوات خدمتی متفاوت، انتخاب شده و به پرسشنامه‌های «دنیاگرایی» (مسد)، «سرسختی» اهواز (AHI)، «دینداری» خدایاری فرد و «تجدید نظر شده حل مسئله اجتماعی» (SPSI-R) پاسخ دادند. یافته‌ها نشان داد که: ۱. «مذهب» به‌طور مستقیم بر «حل مسئله» اثر می‌گذارد؛ ۲. «مذهب» از طریق «افزایش سرسختی» و «کاهش دنیاگرایی» نیز بر «حل مسئله» اثر می‌گذارد. بنابراین می‌توان نتیجه کلی گرفت که مذهب نقش مهمی در رویارویی با استرس‌های زندگی دارد و می‌تواند اثر بحران‌های شدید زندگی را تعدیل کند.

واژگان کلیدی: مذهب، سرسختی روان‌شناختی، دنیاگرایی، حل مسئله، سربازان.

* کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)
mhmollaie80@gmail.com

** استادیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان
Faribayazdkhasti@yahoo.com

مقدمه

دوره خدمت سربازی، یکی از نقاط عطف دوره سنی بزرگسالی برای بیشتر مردان به شمار می‌آید. این تجربه با ویژگی‌ها و دشواری‌های خاص خود، برای فردی که به تازگی دوره پر آشوب و متلاطم نوجوانی را پشت سر گذاشته و در بدو ورود به دوره بزرگسالی است، می‌تواند با چالش‌ها و پیامدهای مثبت و منفی مختلفی همراه باشد. جدایی از خانواده و شبکه روابط دوستان و رویارویی با محدودیت‌های خاص زندگی نظامی، مطمئناً با استرس‌ها و فشارهای زیادی برای جمعیت سربازان، همراه بوده و آنان را با مسائل گوناگونی روبه‌رو می‌کند که تاکنون با آن روبه‌رو نبوده‌اند؛ با این حال، نمی‌توان این شرایط را لزوماً به‌عنوان عاملی برای افت سلامت روان این جمعیت برداشت کرد. زندگی روزمره برای هر انسانی، بستری است سرشار از مسائل و استرس‌های مختلف که رویارویی مستقیم با آنها امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. چنین شرایطی، همواره تغییری در روال معمول زندگی را طلب می‌کند و مطمئناً عملکرد مبتنی بر الگوی معمول و خوگرفته پیشین در این شرایط، به ناکامی افراد می‌انجامد؛ بنابراین نحوه برخورد فرد با این موقعیت‌ها و به عبارتی کیفیت راهبردهای حل مسئله آنها نقشی اساسی در حل موفقیت‌آمیز مسائل و در نتیجه، حفظ سلامت روان دارد (مدی، ۲۰۱۳a).

حل مسئله موضوعی است که در نظریه‌پردازی‌ها و پژوهش‌های حیطه سلامت روان، همواره به‌عنوان یک توانمندی لازم برای رویارویی با چالش‌های زندگی روزمره مورد تأکید قرار می‌گیرد (پارگامنت^۲ و همکاران، ۱۹۸۸). تعاریف مختلفی از حل مسئله ارائه شده است، اما رایج‌ترین و مقبول‌ترین تعریف این مفهوم، حل مسئله را فرایندی پیچیده می‌داند که از چند مرحله تشکیل می‌شود: ۱. تعریف مسئله؛ ۲. شناسایی و ارزیابی راه‌حل‌های احتمالی گوناگون؛ ۳. انتخاب مناسب‌ترین راه‌حل؛ ۴. به کار بستن راه‌حل؛ ۵. تعریف دوباره مسئله و معنای آن برای فرد، پس از اینکه مسئله حل شده است (هاتون و کرک، ۱۳۸۹). الگوهای نظری مختلفی که تاکنون به مفهوم حل مسئله پرداخته‌اند، به این موضوع تأکید دارند که فرایندهایی که بتوانند به مدیریت هیجان‌های منفی فرد در موقعیت‌های دشوار و چالش‌انگیز کمک کنند، دارای نقشی اساسی در توانمندی حل مسئله می‌باشند (پارگامنت و همکاران، ۱۹۸۸). یکی از مهم‌ترین خصیصه‌های روان‌شناختی که در چنین موقعیت‌هایی مطرح می‌شود، سرسختی روان‌شناختی است (مدی، ۲۰۱۳b).

سرسختی روان‌شناختی به‌عنوان یک توانمندی روان‌شناختی ارزشمند، به شمار می‌آید که در موقعیت‌های استرس‌زا و ناخوشایند، نه تنها مانع سلطه هیجان‌های منفی مخرب بر فرد می‌گردد،

1. Maddi

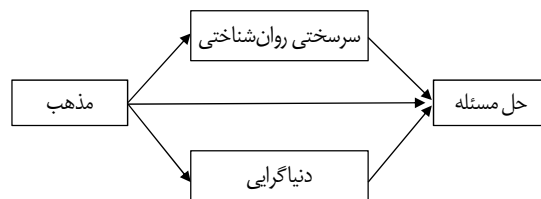
2. Pargament

بلکه می‌تواند این موقعیت‌ها را به فرصتی برای رشد شخصی مبدل کند. سرسختی، یک شجاعت درونی و مبتنی بر مفاهیم وجودی و معنوی است که موجب رویه‌رو شدن فرد با مسائل و موقعیت‌های استرس‌زا با هدف حل آنها می‌شود (مدی، ۲۰۱۳a). براساس پژوهش‌های انجام شده، سرسختی روان‌شناختی، پیش‌بین معناداری برای عملکرد مثبت و سلامت روان می‌باشد و با خصیصه‌های انکار و اجتناب دارای رابطه منفی است. همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهند که خصیصه سرسختی، یکی از پیش‌بین‌های اصلی حل مسئله و مکانیزم‌های مقابله‌ای مرتبط با آن قلمداد می‌شود (مدی، ۲۰۱۳b). براساس نظریات و پژوهش‌های انجام شده، معناداری به موقعیت‌های دشوار و چالش‌انگیز، همواره یکی از مؤلفه‌های اصلی سرسختی روان‌شناختی به شمار می‌آید (مدی، ۲۰۱۳). این معنا می‌تواند از منابع مختلفی تأمین شود، ولی یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین منابع آن، عقاید و جهت‌گیری‌های مذهبی است (هود، هیل و اسپیلکا، ۲۰۰۹).

مذهب و معنویت، همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد تجربه انسانی، در سراسر تاریخ بشریت به شمار می‌رفته است؛ به‌گونه‌ای که تأثیر عمیق عقاید مذهبی و معنوی بر جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها چه در دوره‌های تاریخی گذشته و چه در حال حاضر، به هیچ وجه قابل انکار نیست (زینبائور^۲ و پارگامنت، ۲۰۰۵). امروزه در مباحث روان‌شناسی شناختی، نگرش مذهبی به‌عنوان یک طرحواره شناختی یا مجموعه منسجمی از طرحواره‌های شناختی، در نظر گرفته می‌شود که براساس آن، درون‌دادهای اطلاعاتی، مورد پردازش و سازماندهی شناختی قرار می‌گیرد. بررسی عینی درست یا نادرست بودن پردازش‌ها و تعبیرهای ارائه شده از سوی این طرحواره‌های شناختی، خارج از حیطه روان‌شناسی است، ولی براساس مطالعات گوناگون، به نظر می‌رسد که این فرایند به سازگاری روانی و اجتماعی افراد، به‌ویژه در موقعیت‌های چالش‌انگیز زندگی روزمره کمک می‌کنند (وایس ازوراک، ۲۰۰۵^۳). امروزه براساس پژوهش‌های بسیاری که در حوزه روان‌شناسی مذهب و معنویت انجام شده است، این موضوع مورد توافق است که مذهب و معنویت، برای افرادی که اعتقادات مذهبی یا معنوی دارند، منابعی حیاتی در موقعیت‌های استرس‌زا و ناراحت‌کننده، به شمار می‌آیند (اوگو و اوگو، ۲۰۱۳^۴). عقاید مذهبی با ایجاد معناداری سازنده، می‌توانند افراد را برای رویارویی و مدیریت بسیاری از چالش‌ها و مسائل روزمره مانند مسائل محیط کار، مسائل جسمی و مرتبط با سلامت و بسیاری از نگرانی‌ها

1. Hood, Hill & Spilka
2. Zinnbauer
3. Weiss Ozorak
4. Ugwu & Ugwu

و استرس‌های روان‌شناختی روزانه، توانمند سازند و به عبارتی سرسختی روان‌شناختی آنها را افزایش و آسیب‌پذیری آنان را به مسائل زندگی روزمره کاهش دهند (هود و همکاران، ۲۰۰۹). در برابر نگرش مذهبی و معنوی، نگرش دنیاگرایی یا مادی‌گرایی قرار دارد. دنیاگرایی یا مادی‌گرایی، مفهومی متضاد مفهوم مذهب و دین‌گرایی و معنویت است و به فقدان معنادهی فرامادی به موقعیت‌های زندگی روزانه اشاره دارد. در واقع در این چارچوب، فرد موقعیت‌های مختلف را تنها با دیدی مادی و همان‌گونه که به نظر می‌رسند، تعبیر می‌کنند. رویکردهای فلسفی مادی‌گرا حتی تجارب معنوی و مذهبی افراد معتقد را با دیدی مادی توجیه می‌کنند (اوگو و اوگو، ۲۰۱۳). مفهوم دنیاگرایی تاکنون در ادبیات پژوهشی روان‌شناسی، چندان مورد توجه قرار نگرفته، ولی پژوهش‌ها و نظریات علمی بسیاری که مذهب را به‌عنوان یک عامل مثبت در حل مسئله و مقابله مؤثر با مسائل و موقعیت‌های استرس‌زا مطرح می‌کنند، این موضوع را به ذهن می‌آورند که دنیاگرایی به‌عنوان مفهوم مقابل مذهب می‌تواند دارای نقشی منفی در حل مسئله و مقابله مؤثر با مسائل زندگی روزمره باشد. این موضوع تاکنون مورد توجه جدی پژوهش‌های علمی قرار نگرفته است. به‌طور کلی براساس جستجوی پژوهشگران این پژوهش، مطالعه و تحقیقی یافت نشد که مفاهیم جهت‌گیری مذهبی، دنیاگرایی، سرسختی روان‌شناختی و حل مسئله را در قالب یک مدل نظری و علی بررسی کند. در این زمینه، تنها می‌توان به نتایج پژوهش یاسمی‌نژاد، گل‌محمدیان و فعلی (۱۳۹۰) اشاره کرد که در پژوهش خود نشان دادند بین جهت‌گیری مذهبی درونی و سرسختی روان‌شناختی دانشجویان رابطه مثبت وجود دارد؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر، بررسی مدل علی رابطه بین مذهب، سرسختی روان‌شناختی دنیاگرایی و حل مسئله در سربازان می‌باشد. مدل مفروض پژوهش حاضر نیز در نمودار ۱ ارائه شده است.



نمودار ۱: مدل مفروض رابطه بین متغیرهای پژوهش

روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش را سربازان پایگاه چهارم هوانیروز اصفهان تشکیل داده‌اند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی تعداد ۱۱۰ نفر از سربازان با سنوات خدمتی متفاوت، به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. طرح پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های توصیفی-همبستگی است. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه سنجش دنیاگرایی (مسد)، مقیاس سرسختی اهواز^۱ (AHI)، پرسشنامه دینداری خدایاری فرد و پرسشنامه تجدید نظر شده حل مسئله اجتماعی (SPSI-R)^۲ بود.

الف) پرسشنامه دنیاگرایی (مسد): این پرسشنامه را اکبری و فتحی آشتیانی (۱۳۸۸) تنظیم کرده‌اند که دارای ۶۰ گویه بر مبنای طیف پنج گزینه‌ای است. هدف سنجش میزان دنیاگرایی از ابعاد مختلف (علائم روانی دنیاگرایانه، گرایش‌های اجتماعی دنیاگرایانه، عدم گرایش به عبودیت، تجمل‌گرایی، عدم تعبد به احکام، آخرت‌گریزی) است؛

ب) مقیاس سرسختی اهواز (AHI): این مقیاس را کیامرثی، نجاریان و مهربانی‌زاده هنرمند (۱۳۷۷) تنظیم کرده‌اند که ۲۷ ماده دارد و به منظور نمره‌گذاری این مقیاس برای هر یک از گزینه‌ها «هرگز»، «به ندرت»، «گاهی اوقات» و «بیشتر اوقات» به ترتیب مقادیر ۰، ۱، ۲ و ۳ در نظر گرفته شده است.

کیامرثی و همکاران برای سنجش پایایی مقیاس AHI از دو روش بازآزمایی و همسانی درونی استفاده کرده‌اند. ضریب همبستگی بین آزمون و آزمون مجدد با فاصله زمانی ۶ هفته در نمونه ۱۱۹ نفری برای آزمودنی‌های دختر و پسر به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۸۵ گزارش و در روش همسانی درونی پرسشنامه سرسختی روان‌شناختی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که برای کل آزمودنی‌ها ۰/۷۶ به دست آمد.

در زمینه اعتباریابی آزمون مزبور از روش اعتبار ملاکی همزمان استفاده شد و این پرسشنامه را همزمان با چهار پرسشنامه اضطراب عمومی ANQ، پرسشنامه افسردگی اهواز ADI، پرسشنامه خودشکوفایی^۳ مازلو^۴ MASAI و مقیاس سازه‌ای سرسختی به دو روش تصنیف و آلفای کرونباخ به کار برد که ضریب همبستگی بین نمره‌های کل آزمودنی‌ها به ترتیب (۰/۵۵، ۰/۷۰ و ۰/۴۴) که در سطح (۰/۰۱) معنادار بود. همچنین ضریب همبستگی خودشکوفایی (۰/۶۵) و بین اعتبار سازه‌ای سرسختی و مقیاس سرسختی همبستگی در سطح (۰/۰۵) معنادار بود (کیامرثی و همکاران، ۱۳۷۷). بنابراین با توجه به استاندارد بودن پرسشنامه و تحقیقات فراوانی که درباره آزمون سرسختی

1. Ahvaz Perfectionism Scale (APS)

2. Social Problem-Solving Inventory-Revised

3. Self actualization

4. Maslow

روان‌شناختی صورت گرفته، همگی اعتبار بالای این آزمون را نشان می‌دهد و یکی از بهترین ابزارهای سنجش سرسختی در افراد است؛

ج) پرسشنامه دینداری خدایاری فرد و همکاران: این آزمون یک مقیاس استاندارد شده برای سنجش دینداری در جامعه ایران به‌عنوان یک جامعه دیندار و مذهبی است که براساس تعالیم اسلام ساخته شده است و از دو پرسشنامه شماره ۱ و ۲ خدایاری فرد و همکاران استخراج شده و متشکل از ۹۷ عبارت سنجش دینداری در سه مؤلفه باور دینی، عواطف دینی و التزام و عمل به وظایف دینی و پنج عبارت مربوط به وانمود اجتماعی و در مجموع ۱۰۲ سؤال است.

مقیاس اندازه‌گیری و پاسخگویی به هر یک از عبارت‌ها طیف لیکرت شش درجه‌ای است که برای سؤالات توافقی از زیاد موافقم تا زیاد مخالفم و برای سؤالات درجه‌بندی از همیشه تا هرگز است. نمره هر مؤلفه از جمع نمرات عبارت‌های مربوط به آن و نمره دینداری کلی از جمع نمرات سه مؤلفه به دست می‌آید. لازم به ذکر است که نمره‌های عبارت‌های وانمود اجتماعی در جمع نمرات کلی و مؤلفه‌های آن تأثیری ندارد و تنها افرادی که از این مقیاس نمره کمتر از ۳۰ دریافت کنند، به علت بی‌اعتباری نمرات از فهرست اعضای نمونه حذف می‌شوند (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۸؛ به نقل از باقری، بنی‌اسدی و داوری، ۱۳۹۰).

روایی صوری این پرسشنامه از راه انتخاب سؤالات مورد توافق ۸۰ درصد اعضای متخصص طرح و روایی سازه‌ای آن از روش تحلیل عاملی با انتخاب سؤالاتی با بار عاملی بیش از ۰/۴۰ درصد کنترل شده و روایی ملاکی آن نیز با استفاده از پرسشنامه آذربایجانی انجام گرفت که با آن همبستگی مثبت و معنادار نشان داد. ضرایب آلفای کرونباخ کل پرسشنامه شماره ۱ و ۲ پس از اجرا بر روی ۴۴۰۳ نفر در سطح کشور ۰/۹۷ و ۰/۹۶ گزارش شده است. اجرای نهایی این پرسشنامه در جمعیت ۱۵۳۸۶ در سطح کشور نیز روایی سازه‌ای و ملاکی، و پایایی بازآزمایی آن را تأیید کرد (خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۸؛ به نقل از باقری، بنی‌اسدی و داوری، ۱۳۹۰)؛

د) پرسشنامه تجدید نظر شده حل مسئله اجتماعی (SPSI-R): فرم کوتاه پرسشنامه تجدید نظر شده حل مسئله اجتماعی (SPSI-R؛ دزوریلا، نزو و مایدو-لیورز، ۲۰۰۲^۱)، یک ابزار خودگزارشی از نوع لیکرت و دارای ۲۵ سؤال بوده و هدف این مقیاس مبتنی بر کار پیشین مؤلفان است که پنج خرده مقیاس اصلی داشته و پنج بعد مختلف مدل حل مسئله اجتماعی دزوریلا و همکاران را اندازه‌گیری می‌کند.

پایایی آزمون مجدد برای این پرسشنامه بین (۰/۶۸ تا ۰/۹۱) و ضریب آلفای آن بین (۰/۶۹ تا ۰/۹۵) گزارش شده است. روایی سازه این پرسشنامه نیز با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و

1. D'Zurilla; Nezu & Maydeu-Olivares

همبستگی با دیگر مقیاس‌های حل مسئله و سازه‌های روان‌شناختی همپوش تأیید شده است (دزوریل و همکاران، ۲۰۰۲). در ایران مخبری، درتاج و دره کردی (۱۳۹۰)، ضریب آلفای (۰/۸۵) را برای پنج عامل سنجیده و ضریب پایایی بازآزمایی ۰/۸۸ را برای پرسشنامه حل مسئله اجتماعی کوتاه شده به دست آوردند. همه تحلیل‌های روایی، SPSI را به‌عنوان یک مقیاس حل مسئله اجتماعی تأیید کرده است (مخبری و همکاران، ۱۳۹۰).

داده‌ها از روش آماری تحلیل مسیر (path analysis) با نرم افزارهای SPSS-17 و Amos-21 تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها

ضرایب همبستگی ساده بین متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: ضرایب همبستگی ساده بین متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیرها	۱	۲	۳	۴
۱	مذهب	-			
۲	سرسختی روان‌شناختی	**۰/۳۲	-		
۳	دنیاجرایی	**۰/۳۹	-۰/۱۴	-	
۴	حل مسئله	**۰/۴۶	**۰/۳۵	*-۰/۱۹	-

**P < ۰/۰۱ *P < ۰/۰۵

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، ضرایب همبستگی ساده برای روابط بین همه متغیرهای پژوهش، به جز رابطه بین دنیاجرایی با سرسختی روان‌شناختی معنادار است. جهت بررسی مدل مفروض پژوهش، از روش تحلیل مسیر استفاده شد. اوزان رگرسیونی استاندارد مربوط به مسیرهای بین متغیرهای پژوهش در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: اوزان رگرسیونی استاندارد مسیرهای بین متغیرهای پژوهش (اثرهای استاندارد مستقیم)

مسیرها	برآورد	خطای استاندارد	معناداری
مذهب سرسختی روان‌شناختی	۰/۳۲	۰/۰۱	۰/۰۰
مذهب دنیاجرایی	-۰/۳۹	۰/۰۳	۰/۰۰
مذهب حل مسئله	۰/۴۶	۰/۰۱	۰/۰۰
سرسختی روان‌شناختی حل مسئله	۰/۳۵	۰/۰۹	۰/۰۰
دنیاجرایی حل مسئله	-۰/۱۹	۰/۰۳	۰/۰۴

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، اوزان رگرسیونی تمام مسیرهای مستقیم مدل مفروض پژوهش، معنادار است. جهت مسیرهای مذهب به سرسختی روان‌شناختی، مذهب به حل مسئله و سرسختی روان‌شناختی به حل مسئله مثبت و جهت مسیرهای مذهب به دنیاگرایی و دنیاگرایی به حل مسئله منفی می‌باشد. مدل مفروض پژوهش براساس شاخص‌های مختلف برازش بررسی شد که نتایج آن در جدول ۳، قابل ملاحظه است.

جدول ۳: وضعیت شاخص‌های برازش برای مدل مفروض پژوهش

شاخص‌های برازش	مقدار آماره	سطح قابل قبول	وضعیت مدل پژوهش
CMIN	*۰/۰۴	مقدار کای اسکوتر جدول	برازش
NFI	۰/۹۹	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	برازش
TLICFI	۱	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	برازش
CFI	۱	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	برازش
RMSEA	*/۰۰	کمتر از ۰/۰۵	برازش

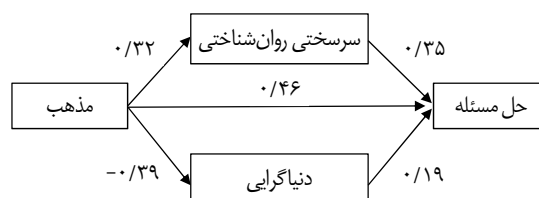
*P = ۰/۸۴

همان‌طور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، مقادیر بالاتر از ۰/۹۰ برای شاخص نرم شده برازندگی (NFI)، شاخص تاکر-لویز (TLI) و شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) و مقدار کمتر از ۰/۰۵ برای شاخص ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)، نشانگر برازش مطلوب مدل اصلاح شده پژوهش است (شوماخر و لومکس، ۱۳۸۸؛ هومن، ۱۳۸۰).

با توجه به تأیید برازش مدل پژوهش، اثرهای غیرمستقیم بین متغیرهای به کار رفته در مدل نیز تأیید می‌شود. در جدول ۴، میزان آثار غیرمستقیم استاندارد مربوط به مسیرهای غیرمستقیم مدل و در نمودار ۲، مدل برازش یافته پژوهش به همراه ضرایب مسیر ارائه شده است.

جدول ۴: اثرهای غیرمستقیم استاندارد مربوط به مدل برازش یافته

مسیرها	برآورد
مذهب حل مسئله (از راه سرسختی روان‌شناختی)	۰/۱۱
مذهب حل مسئله (از راه دنیاگرایی)	۰/۰۷



نمودار ۲: مدل برازش یافته رابطه بین متغیرهای پژوهش

همان‌طور که در جدول ۴ و نمودار ۲ ملاحظه می‌شود، مذهب هم از راه افزایش سرسختی روان‌شناختی و هم از راه کاهش دنیاگرایی، دارای اثرهای غیرمستقیم بر حل مسئله است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی مدل علی رابطه بین مذهب، سرسختی روان‌شناختی، دنیاگرایی و حل مسئله در سربازان است. مدل‌سازی علی صرفاً یک اسم عامل (ژنریک) برای تلاش‌هایی به منظور کشف الگوهای متقابل بین متغیرهاست، با این هدف که بیان شود چگونه برخی متغیرها می‌توانند به‌طور علی بر متغیرهای دیگر تأثیر بگذارند. تحلیل مسیر به ما امکان می‌دهد که چگونگی برآزش یک الگوی پیشنهادی خاص از تأثیرات را با داده‌های شناخته شده برآورد کنیم. هر اندازه این مدل یا الگوی علی با داده‌های واقعی تناسب بهتری داشته باشد، با احتمال بیشتر می‌توانیم باور کنیم که آن مدل یک بنیان نظری سودمند است. تحلیل مسیر به‌طور ساده در پی آن است که مسیر خاصی را توصیف کند که روابط بین متغیرها را به خوبی و دقت تبیین کند (دنيس هويت و دانکت کرامر، ۱۳۸۸).

نتایج این پژوهش نشان داد که عامل مذهب به‌طور مستقیم بر حل مسئله اثر می‌گذارد؛ یعنی با افزایش میزان جهت‌گیری مذهبی، توانایی حل مسئله هم افزایش پیدا می‌کند. این یافته با نتایج پژوهش صیادی تورانلو، جمالی و میرغفوری (۱۳۸۶)، ارفعی، تمنایی فر و عابدین آبادی (۱۳۹۱) و جعفری، حاجلو و محمدزاده (۱۳۹۳) هماهنگ است. جعفری و همکاران در تحقیقی که بر روی سربازان وظیفه انجام دادند به این نتایج دست یافتند که بین عمل به باورهای دینی با سلامت عمومی و شیوه‌های مقابله همبستگی مثبت و معنادار وجود داشت و رابطه بین بهزیستی معنوی با سلامت عمومی و شیوه‌های مقابله‌ای نیز مثبت و معنادار بود و همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که عمل به باورهای دینی و بهزیستی معنوی قادر به پیش‌بینی سلامت عمومی و شیوه‌های مقابله‌ای بودند. ورود به محیط نظامی در اوایل دوره نوجوانی و دوره پنجم رشد روانی، مقطع حساسی در زندگی نیروی جوان و کارآمد هر کشور به شمار می‌آید. این دوران در سازمان نظامی با تغییرات شناختی، رفتاری، سازمانی، فرهنگی، قومی و قبیله‌ای همراه است. بنابراین قرار گرفتن در چنین شرایطی بیشتر به علت ایجاد فشار و نگرانی عملکرد فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، زیرا فرد باید بیاموزد چگونه نقش‌های سخت، خشن، صمیمیت و عواطف را ایفا کند و چه جایگاهی را در تعهدات و روابط خود اتخاذ کند. روبه‌رو شدن با این نقش‌ها و همچنین آموزش‌های سخت و مداوم، مأموریت‌های بسیار، فراگیری تخصص‌های مخاطره‌آمیز و تحمل فشار برای انجام تکلیف از دیگر عوامل استرس‌زای دوران سربازی هستند که با سبک‌های مقابله‌ای می‌توان آنها را به

حداقل رساند (بنی فاطمه و حکمت‌پور، ۱۳۸۷؛ به نقل از حاجی امینی و همکاران، ۱۳۸۹) و به اعتقاد پارگامنت، مذهب نقش مهمی در رویارویی با استرس‌های زندگی دارد و می‌تواند اثر بحران‌های شدید زندگی را تعدیل کند. از نظر وی، افراد مذهبی در هنگام ارزشیابی نوع اول، یعنی آیا این رویداد به صورت بالقوه خطرناک است؟ و ارزشیابی نوع دوم، یعنی آیا من می‌توانم با این رویداد مقابله کنم؟ برای مقابله با فشار روانی به خوبی از مذهب استفاده می‌کنند؛ زیرا واکنش آنها به فشار روانی تحت تأثیر عواملی همچون حمایت اجتماعی، سخت‌کوشی شخصی، سبک مشکل‌گشایی و مانند آن قرار می‌گیرد. این امر در افراد مذهبی و متدین موجب کاهش فشار روانی می‌شود. پس مهم‌ترین تأثیر مذهب برای مقابله با فشار روانی به دلیل نقشی است که در فرایند ارزشیابی فشار روانی دارد. همچنین مذهب از راه عوامل تعدیل‌کننده، پاسخ به فشار روانی مانند ارزیابی موقعیت، ارزیابی شناختی خود فرد، راهبردهای مقابله، منابع حمایتی و... در سبک مقابله با فشار روانی نیز تأثیر می‌گذارد (ارفعی و همکاران، ۱۳۹۱).

ابوالقاسمی در پژوهشی با هدف بررسی نقش گرایش‌های دینی در اتخاذ شیوه‌های مقابله با استرس نشان داد که بیشتر افراد برای تقویت خود جهت حل مشکل دعا کرده‌اند و به خدا توکل می‌کنند. افرادی که گرایش‌های مذهبی بیشتر و محکم‌تری دارند، از شیوه‌های مقابله مناسب‌تری استفاده می‌کنند و بسیار راحت‌تر با مسائل کنار می‌آیند (همان).

همچنین این پژوهش نشان داد که مذهب غیر مستقیم از راه افزایش سرسختی و کاهش دنیاگرایی بر حل مسئله اثر می‌گذارد؛ یعنی عامل مذهب با افزایش سرسختی و کاهش دنیاگرایی موجب افزایش توانایی حل مسئله می‌شود. پژوهشی مشاهده نشد که به‌طور خاص بتواند این رابطه را تأیید کند. البته در مورد رابطه مذهب با سرسختی پژوهش‌هایی انجام شده (یاسمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۰؛ آزموده و همکاران، ۱۳۸۶؛ شاکری‌نیا، ۱۳۸۹) که مبین رابطه معنادار بین آن دو بوده است. یاسمی نژاد و همکاران گزارش دادند که همبستگی مثبتی بین جهت‌گیری مذهبی درونی و سرسختی روان‌شناختی وجود دارد و از سوی دیگر همبستگی منفی بین جهت‌گیری مذهبی بیرونی با سرسختی وجود دارد؛ همچنین، آزموده و همکاران (۱۳۸۶) نیز عنوان کردند که بین جهت‌گیری مذهبی و متغیرهای شادکامی و سرسختی روان‌شناختی رابطه معنادار وجود دارد؛ و افراد با جهت‌گیری درونی نسبت به افراد با جهت‌گیری بیرونی از تعهد، مهار و مبارزه‌جویی بیشتری برخوردارند.

منابع

۱. آزموده، پیمان؛ شهریار شهیدی و عصمت دانش (بهار ۱۳۸۶)، «بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با سرسختی و شادکامی در دانشجویان»، مجله روان‌شناسی، ش ۱، ص ۶۰-۷۴.
۲. اکبری، الله رضا و علی فتحی آشتیانی (زمستان ۱۳۸۸)، «ساخت مقیاس سنجش دنیاگرایی (مسد) براساس متون دینی»، فصلنامه روان‌شناسی و دین، س ۲، ش ۴، ص ۷۱-۱۰۰.
۳. باقری، مسعود؛ حسن بنی‌اسدی و صفورا داوری (پاییز و زمستان ۱۳۹۰)، «رابطه دینداری و ابعاد شخصیت با سلامت روان معلمان رودان»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اسلام و روان‌شناسی، س ۵، ش ۹، ص ۷-۳۲.
۴. جعفری، عیسی؛ نادر حاجلو و علی محمدزاده (زمستان ۱۳۹۳)، «رابطه عمل به باورهای دینی و بهزیستی معنوی با سلامت عمومی و شیوه‌های مقابله در سربازان وظیفه»، مجله طب نظامی، دوره ۱۶، ش ۴، ص ۱۹۱-۱۹۶.
۵. حاجی امینی، زهرا؛ محمد زمانی؛ علی فتحی آشتیانی؛ عباس عبادی؛ فریال خمسه و سیدحمید قریشی (۱۳۸۹)، «عوامل جمعیت‌شناختی مرتبط با واکنش‌های هیجانی سربازان»، مجله طب نظامی، دوره ۱۲، ش ۴، ص ۲۱۱-۲۱۶.
۶. شکری‌نیا، ایرج (۱۳۸۹)، «رابطه هویت مذهبی، نگرش مذهبی و سرسختی روان‌شناختی با سلامت روان در معتکفان»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اسلام و روان‌شناسی، س ۴، ش ۷، ص ۷-۲۰.
۷. شوماخر، رندال. ای و لومکس، ریچارد. جی. (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر مدل‌سازی معادله ساختاری، ترجمه وحید قاسمی، تهران: جامعه‌شناسان.
۸. صدیقی ارفعی، فریبرز؛ محمدرضا تمنایی فر و عاطفه عابدین آبادی (پاییز ۱۳۹۱)، «رابطه جهت‌گیری مذهبی سبک‌های مقابله و شادکامی در دانشجویان»، روان‌شناسی و دین، س ۵، ش ۳، ص ۱۳۵-۱۶۳.
۹. صیادی تورانلو، حسین؛ رضا جمالی و سیدحبیب‌الله میرغفوری (زمستان ۱۳۸۶)، «بررسی رابطه اعتقاد به آموزه‌های مذهبی اسلام و هوش هیجانی دانشجویان»، فصلنامه علمی-پژوهشی اندیشه نوین دینی، س ۳، ش ۱۱، ص ۱۴۵-۱۷۲.

۱۰. مخبری، عادل؛ فریبا درتاج و علی دره کردی (۱۳۹۰)، «بررسی شاخص‌های روان‌سنجی و هنجاریابی پرسشنامه توانایی حل مسئله اجتماعی»، فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، س ۱، ش ۴، زمستان ۱۳۸۹.

۱۱. هاتون، کیت و کرک، جوان (۱۳۸۹)، حل مسئله، در: کیت. هاتون؛ پال. سالکوس کیس؛ جوان، کرک و دیوید، کلارک: رفتاردرمانی شناختی، ترجمه حبیب‌الله قاسم‌زاده، اصفهان: انتشارات ارجمند.

۱۲. هومن، حیدرعلی (۱۳۸۰)، تحلیل داده‌های چندمتغیری در پژوهش رفتاری، تهران: نشر پارسا.

۱۳. یاسمی‌نژاد، پرینسا؛ محسن گل‌محمدیان و بهنام فعلی (۱۳۹۰)، «بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی و سرسختی روان‌شناختی در دانشجویان»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، س ۱۹، ش ۱۲، ص ۱۱۹-۱۳۷.

1. Hood, R.W., Hill, P.C., & Spilka, B. (2009), *The Psychology of Religion*. 4thed. New York and London: The Guilford Press.
2. Maddi, S.R. (2013a), Hardiness as the Existential Courage to Grow Through Searching for Meaning. In: J.A. Hicks & C. Routledge, *The experience of meaning in life*. New York: Springer.
3. Maddi, S.R. (2013b), *Hardiness: Turning stressful circumstances into resilient growth*. New York: Springer.
4. Pargament, K.I., Kennel, J., Hathaway, Grevengeod, N., Newman, J.m, Jones, W. (1988), Religion and the problem solving process: Three styles of coping. *Journal for the scientific study of Religion*, 27(1), 90-104.
5. Ugwu, F., & Ugwu, C. (2013), Anointing without money: Exploring the relationships between materialism, happiness and daily spiritual experience in a Nigerian sample. *International Journal of Asian Social Science*, 3(5):1196-1207.
6. Weiss Ozorak, E. (2005), Cognitive approaches to religion. In R.F. Paloutzian & C.L. Park, *Handbook of the psychology of religion and spirituality*. New York & London: The Guilford Press.
7. Zinnbauer, B.J., & Pargament, K.I. (2005), Religiousness and spirituality. In R.F. Paloutzian & C.L. Park, *Handbook of the psychology of religion and spirituality*. New York & London: The Guilford Press.